

درس خارج فقه مالی دولت

استاد مصباحی مقدم

جلسه 12

1404/09/23

چهارم: نظر امام خمینی ره درباره وضع مالیات:

حضرت امام رحمة الله عليه به صورت مبسوط درباره ولایت فقیه در کتاب

البيع بحث کرده اند. پس از بیان ضرورت برقراری حکومت در جامعه در عصر غیبت و اینکه حکومت امری است که ممکن نیست در طول هزار سال بلکه احیاناً هزاران سال مهمل گذاشته شده باشد و بلا تکلیف مانده باشد با بیان دلایل عقلی و نقلی به این نتیجه می رسند که فقیه عادل دارای ولایت از سوی ائمه علیهم السلام است.

در ذیل صحیحه قداح از امام صادق علیه السلام می نویسند :

ثم إن مقتضى كون الفقهاء ورثة الانبياء - ومنهم رسول الله صلى الله عليه وآله وسائر المرسلين الذين لهم الولاية العامة على الخلق - انتقال كل ما كان لهم إليهم إلا ما ثبت أنه غير ممكن الانتقال، ولا شبهة في أن الولاية قابلة للانتقال كالسلطنة التي كانت عند أهل الجور موروثه خلفا عن سلف. وقد مر أنه ليس المراد بالولاية هي الولاية الكلية الالهية التي دارت في لسان العرفاء وبعض أهل الفلسفة، بل المراد هي الولاية الجعلية الاعتبارية، كالسلطنة العرفية وسائر المناصب العقلانية، كالخلافة التي جعلها الله تعالى لداود (ع) وفرع عليها الحكم بالحق بين الناس وكنصب رسول الله صلى الله عليه وآله عليا (ع) بأمر الله تعالى خليفة ووليا على الأمة، ومن الضروري أن هذه أمر قابل للانتقال والتوريث، ويشهد له ما في نهج البلاغة (أرى تراثي نهبا) فعليه تكون الولاية أي كونه أولى بالمؤمنين من أنفسهم فيما يرجع إلى الحكومة والامارة منتقلة إلى الفقهاء. (كتاب البيع نويسنده: الخميني، السيد روح الله ج 2 ص 483)

در ادامه نیز می نویسند: «فتحصل مما مر ثبوت الولاية للفقهاء من قبل المعصومين عليهم السلام في جميع ما ثبت لهم الولاية فيه من جهة كونهم سلطانا على الأمة، ولا بد في الاخراج عن هذه الكلية في مورد من دلالة دليل دال على اختصاصه بالامام المعصوم عليه السلام، بخلاف ما إذا ورد في الاخبار أن الامر الكذائي للامام عليه السلام، أو يأمر الامام بكذا وأمثال ذلك فانه يثبت مثل ذلك للفقهاء العدول بالادلة المتقدمة».

(كتاب البيع نويسنده: الخميني، السيد روح الله ج 2 ص 488)

بار دیگر ادامه می‌نویسد: ثم إن المتحصل من جميع ما ذكرناه أن للفقيه جميع ما للإمام عليه السلام إلا إذا قام الدليل على أن الثابت له عليه السلام ليس من جهة ولايته وسلطنته، بل لجهات شخصية تشريفا له أو دل الدليل على أن الشئ الفلاني وإن كان من شؤون الحكومة والسلطنة لكن يختص بالامام (ع) ولا يتعدى منه، كما اشتهر ذلك في الجهاد غير الدفاع، وإن كان فيه بحث وتأمل. (كتاب البيع نويسنده: الخميني، السيد روح الله ج 2 ص 496/497)

حضرت امام رحمة الله عليه در تحرير الوسيله نيز فرموده اند:

السابع: للإمام عليه السلام ووالي المسلمين أن يعمل ما هو صلاح للمسلمين؛ من تثبيت سعر أو صنعة أو حصر تجارة أو غيرها؛ مما هو دخیل في النظام وصلاح للجامعة. (تحرير الوسيلة (مجلدين) نويسنده: الخميني، السيد روح الله ج 2 ص 596)

همچنين، ایشان در نامه‌ای خطاب به امام جمعه موقت تهران فرموده اند:

از بیانات جناب عالی در نماز جمعه این طور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جميع احکام فرعی الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید و تعبیر به آن که این جانب گفته‌ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیار است، بکلی بر خلاف گفته‌های این جانب است.

اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یک پدیده بی‌معنی و محتوا باشد. اشاره می‌کنم به پیامدهای آن که هیچ کس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد. مثلاً خیابان‌کشی‌ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست، نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گران‌فروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدر و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن که از اختیارات دولت است بنابر تفسیر شما خارج است و صدها امثال اینها. باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت

می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی /است/ که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است آنچه گفته شده است که شایع است مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین باشد این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم. انشاءالله تعالی خداوند امثال جناب عالی را که جز خدمت به اسلام نظری ندارید، در پناه خود حفظ فرماید. روح‌الله الموسوی الخمینی

(صحیفه نور نویسنده: خمینی، روح الله ج 20 ص 170)

بر اساس مواضع روشن حضرت امام رضوان الله تعالی علیه وضع مالیات از وظایف فقیه عادل است و به اقتضا ولایتی است که خداوند به او داده است. بسیار روشن است که عده ای از فقها ولایت فقیه در دائره گسترده ای که امام خمینی ره قائلند را قبول ندارند، اما در دائره امور حسبیه پذیرفته اند.

حضرت امام در ادامه بحث خود به دائره امور حسبیه نیز می‌پردازند.

ثم إن الامور الحسبية - وهي التي علم بعدم رضا الشارع الاقدس باهمالها - إن علم أن لها متصديا خاصا أو عاما فلا كلام، وإن ثبت أنها كانت منوطة بنظر الامام عليه السلام فهي ثابتة للفقیه بأدلة الولاية، ومع الغض عنها لو احتمل أن إجرائها لا بد وأن يكون بنظر شخص كالفقیه العادل أو الشخص العادل أو الثقة فاللازم الاخذ بالمتيقن، وهو الفقیه العادل الثقة، وإن تردد بين المتباينين لا بد وأن يجرى بنظرهما. ولا يخفى أن حفظ النظام وسد ثغور المسلمين وحفظ شبانهم من الانحراف عن الاسلام ومنع التبليغات المضادة للاسلام ونحوها من أوضح الحسبيات ولا يمكن الوصول إليها إلا بتشكيل حكومة عادلة إسلامية، فمع الغض عن أدلة الولاية لا شك في أن الفقهاء العدول هم القدر المتيقن، فلا بد من دخالة نظرهم، ولزوم كون الحكومة باذنهم، ومع فقدهم أو عجزهم عن القيام بها يجب ذلك على المسلمين العدول، ولا بد من استئذانهم الفقیه لو كان. (كتاب البيع نویسنده: الخميني، السيد روح الله ج 2 ص 497/498)